



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

خاتمیت نفی مسلک

باب و بیہاء

عزالدین رضانژاد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاتمیت نفی مسلک باب و بهاء

نویسنده:

عزالدین رضانژاد

ناشر چاپی:

نشریه زمانه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ خاتمیت نفی مسلک باب و بهاء
۶ مشخصات کتاب
۶ خاتمیت: نفی مسلک باب و بهاء
۹ پاورقی
۱۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

خاتمیت نفی مسلک باب و بهاء

مشخصات کتاب

عنوان: خاتمیت: نفی مسلک باب و بهاء

پدیدآورنده: عزالدین رضانژاد

نشریه: زمانه

شماره نشریه: ۶۱

سال: ۱۳۸۶

ماه: ۷

تعداد صفحه: ۷۲ - ۷۵

زبان: فارسی

موضوع: بررسی دلایل انحرافی بابت و بهائیت - نقد دیدگاه بایان و بهائیان درباره خاتمیت

خاتمیت: نفی مسلک باب و بهاء

از آنجا که خواستن هر چیزی، لزوماً به معنای توجه به جمیع لوازم آن و وجود آن‌ها نیست، لذا در مطالعه‌ی بروز گرایش‌های انحرافی نیز باید توجه کرد که تا چه اندازه‌ای داعیان این گرایش‌ها، توجیهات نظری خود را سامان داده‌اند. وقتی انحراف و بدعت نسبت به دین اتفاق می‌افتد، موضوع بسیار پیچیده‌تر می‌گردد و کذب مدعای مدعیان آشکارتر و ضعف ایشان عیان‌تر می‌شود. پذیرش اصل خاتمیت از سوی حسینعلی بهاء، از یک سو، و نفی آن از سوی عباس افندی و دیگران، از سوی دیگر، همراه با انشقاق و شکاف درونی و طرح دو شریعت، یکی به نام «بیان» و دیگری به نام «اقدس»، گویاترین دلیل بر انحرافی بودن مسلک باب و بهاء می‌باشد که در این مقاله شرح داده شده است. «خاتمیت»، یکی از اصول اساسی و مشترک بین همه‌ی مذاهب و فرق اسلامی (شیعه، سنی و...) است. بر مبنای این اصل، حضرت محمد بن عبدالله، پیامبر گرامی اسلام، آخرین پیامبر و فرستاده‌ی الهی در روی زمین است؛ یعنی، آخرین فردی است که از سوی خداوند، به عنوان «نبی» و «رسول»، به سوی بشر فرستاده شده و دین و شریعت وی (اسلام) آخرین آیین آسمانی است. آیات قرآن کریم و احادیث پیشوایان معصوم، با تعابیر گوناگون، کرارا به این اصل (خاتمیت پیامبر و دین او) تصریح و تأکید کرده‌اند، چندان که احادیثی چنین، شهرت زاید الوصفی دارند: حلال محمد حلالی الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه. [۱] و (حدیث متواتر منزلت): یا علی انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی. [۲]. خداوند در سوره‌ی احزاب، آیه ۴۰ فرموده است: «ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الل بکل شیء علیما». «خاتم» از ریشه‌ی «ختم» به معنای «پایان» است و طبق تصریح لغت شناسان مشهور عرب، [۳] در زبان عربی به دو صورت خاتم (به کسر تاء) و خاتم (به فتح تاء) به کار می‌رود. خاتم (به کسر تاء) به معنی ختم کننده و پایان بخشنده است و خاتم (به فتح تاء) به معنی آخر و آخرین و نیز مهری است که پس از تنظیم و نگارش نامه‌ها و اسناد، در پای آن می‌زنند و حکم «پایان بخشیدن» به آن‌ها را دارد. [۴] به قول لغویان: «ما یختم به» یعنی وسیله ختم و پایان یافتن چیزی است (و در نتیجه، بستن طومار آن، که «پلمب» کردن خانه‌ها و مهر کردن سر ظروف مایعات، از همین باب و به همین معناست، و قرآن کریم با استعمال تعابیری چون «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم» (بقره / ۷) و مشابه آن [۵] و نیز با به کارگیری واژه‌ی «مختم» و «ختم» [۶]، همین معنا را اراده کرده است. چنان که «مختمه» شدن پرونده نیز، در اصطلاح قضات، به معنای پایان یافته قلمداد گشتن و بسته شدن آن است). اگر به

نگین انگشتر نیز، «خاتم» گفته می‌شود، به اعتبار استفاده از آن در مهر و مختومه کردن اسناد و نامه‌هاست. به قول استاد مطهری: «کلمه‌ی «خاتم» به حسب ساختمان لغوی خود در زبان عربی به معنی چیزی است که به وسیله‌ی آن به چیزی پایان دهند. مهری که پس از بسته شدن نامه بر روی آن می‌زدند به همین جهت، «خاتم» نامیده می‌شود، و چون معمولاً بر روی نگین انگشتری، نام یا شعار مخصوص خود را نقش می‌کردند و همان را بر روی نامه‌ها می‌زدند، انگشتری را «خاتم» می‌نامیدند.» [۷]. استعمال تعبیری چون «ختم قرآن» (که به معنای خواندن کل قرآن و تمام کردن آن است)، اطلاق «مجلس ختم» به مجلس یادبود اموات (که به اعتبار قرائت یک دوره کامل از قرآن توسط جمع حضار مجلس ترحیم برای شخص متوفی است) و نیز استعمال تعبیر «خاتم اوصیاء» در حق آخرین امام معصوم از تبار اهل بیت علیهم‌السلام، همه و همه، هماهنگ با همان مفهومی است که از ختم و خاتم بیان شد. آنچه را گفتیم، علاوه بر کارکرد قرآنی لفظ، مفسران مسلمان و همچنین فرهنگ نویسان صاحب نام تاریخ اسلام، نیز بدان تصریح کرده‌اند. برای نمونه، ابوالبقاء عکبری، دانشمند مشهور، در ذیل آیه‌ی «و لکن خاتم النبیین» نوشته است: «۱ - خاتم (به فتح تاء)، یا فعل ماضی از باب مفاعله است؛ یعنی محمد (ص) پیامبران الهی را ختم کرد، ۲ - یا مصدر است که بنابراین، «خاتم النبیین» به معنای ختم کننده‌ی پیامبران خواهد بود؛ زیرا مصدر، در این قبیل موارد، به معنای اسم فاعل است، ۳ - یا آن طور که دیگر دانشمندان گفته‌اند، خاتم (به فتح تاء) اسم است به معنای آخر آخرین، ۴ - یا آن گونه که بعضی دیگر گفته‌اند، به معنای اسم مفعول است، یعنی «مختوم به النبیین»: پیامبران الهی، به پیامبر اسلام، مهر و ختم شده‌اند.» به نوشته‌ی عکبری: «چهار احتمال فوق، در صورتی است که «خاتم» به فتح «تاء» قرائت شود، و اگر به کسر تاء نیز قرائت شود، چنان که شش نفر از قرای سبعة این طور قرائت کرده‌اند، این کلمه به معنای «آخر و آخرین» است. خلاصه، بنابر هر یک از این پنج احتمال، معنای آیه، این است که حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر الهی است و پس از او پیامبر دیگری نخواهد آمد.» [۸]. بر پایه‌ی آنچه گفته شد، واژه‌ی «خاتم النبیین» در آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی احزاب، به هر گونه که تلفظ شود (چه خاتم به کسر تاء و چه خاتم به فتح تاء) به این معناست که حضرت محمد، آخرین پیامبر می‌باشد و طومار نبوت با آمدن او ختم شده است. بر همین اساس، «خاتم الانبیا» یکی از القاب پیامبر اسلام (ص) بوده و بدین معناست که آن حضرت، آخرین پیامبر الهی بوده و پیامبری با او ختم شده است. ضمناً دلیل «خاتمیت» و جاودانگی دین اسلام، فقط آیه‌ی فوق نیست و این معنا، علاوه بر آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی احزاب و نیز دو حدیث «حلال محمد حلال الی یوم القیمه» و حدیث «منزلت»، که قبلاً از آن‌ها یاد شد، در آیات و روایات متعدد دیگر تبیین و تأکید شده است که نمونه‌وار در زیر به بعضی از آن‌ها اشاره شده است: ۱ - خداوند در قرآن کریم به پیامبر دستور داده است که بگوید: «و اوحی الی هذا القرآن لا ندرکم به و من بلغ؛ [۹] این قرآن به من (پیامبر) وحی شده است تا شما و کسانی را که این قرآن به آن‌ها می‌رسد انذار کنم.» «من بلغ» مطلق است و شامل تمام کسانی که در طی تاریخ، قرآن و تعالیم نبوی (ص) به دستشان می‌رسد، می‌شود. ۲ - پیامبر اکرم (ص) در ضمن خطبه‌ای فرموده است: «انا خاتم النبیین و المرسلین و الحجه علی جمیع المخلوقین اهل السموات و الارضین؛ [۱۰] من خاتم انبیا و رسولان و حجت بر همه‌ی آفریدگان از اهل آسمان‌ها و زمین‌ها هستم.» ۳ - مولای متقیان علی (ع)، در نهج‌البلاغه، هنگام وصف پیامبر اکرم کرارا بر ختم نبوت و رسالت، و پایان یافتن وحی به وجود آن حضرت تأکید کرده است. در خطبه‌ی اول نهج‌البلاغه با اشاره به سیر پیاپی ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی فرموده است: «الی ان بعث الله محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله لا نجاز عدته و تمام نبوته (تا آنکه خداوند، رسول خود محمد (ص) را برای محقق ساختن وعده‌ی خود و اتمام کار نبوت برانگیخت).» [۱۱] در خطبه ۷۲: «اللهم... اجعل شرایف صلواتک... علی محمد عبدک و رسولک الخاتم لما سبق و الفاتح لما اغلق [۱۲] (بار خدایا... بهترین درودهایت... را بر محمد، بنده و رسولت، فرست که خاتم پیامبران پیشین است و گشاینده‌ی درهای بسته).» در خطبه‌ی ۸۷: «ایها الناس خذوها عن خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم: انه یموت... (ای مردم این حدیث را از خاتم پیامبران فرا گیرید که می‌گوید...).» [۱۳] در خطبه‌ی ۱۳۳: «ارسله علی حین فتره من الرسل... فقفی به الرسل و ختم به الوحی [۱۴] (خداوند

پیامبر اسلام را زمانی فرستاد که پیامبران نبودند... پس او در پی پیامبران و ارسال وحی را با او پایان داد» و نیز در خطبه‌ی ۱۷۳: «امین وحیه و خاتم رسله (پیامبر امانتدار وحی الهی و خاتم رسولان او بود)». ۴ - از امام باقر و صادق (ع) نقل شده است که فرموده‌اند: «لقد ختم الله بکتابکم الکتب و ختم بنبیکم الانبیاء (خداوند به وسیله‌ی کتاب شما «قرآن»، کتاب‌های آسمانی و به وسیله‌ی پیامبران محمد (ص)، سلسله انبیا را خاتمه داد)». [۱۵]. ۵ - امام صادق (ع) فرموده است: «ان الله ختم بنبیکم النبیین فلا نبی بعده ابد؛ [۱۶] یعنی، خداوند به وسیله‌ی پیامبر شما (مسلمانان) پیامبری را ختم فرمود، بنابراین دیگر تا ابد، پیامبری پس از او نخواهد آمد». [۱۷]. ۶ - ادعیه و زیارت نامه‌های اسلامی نیز (که گنجینه‌ی معارف است) سرشار از اشاره به خاتمیت است. در این دعاها کرارا از پیامبر اکرم (ص) به عنوان «خاتم النبیین»، [۱۸] «الخاتم لانبیائه»، [۱۹] «خاتم المرسلین» [۲۰] و «خاتم النبیین و المرسلین» [۲۱] یاد شده و خاطر نشان گردیده که او نخستین پیامبری است که خداوند از وی (در روز الست) پیمان گرفت و آخرین پیامبری است که مبعوث به رسالت گردید: اول النبیین میثاقا و آخرهم مبعثا. [۲۲]. چنان که می‌بینیم، در روایات فوق، پیامبر اکرم (ص) صراحتا و کرارا مظهر «ختم نبوت»، «ختم رسالت»، «ختم ماسبق»، و «ختم وحی» اعلام شده است. [۲۳] بر پایه‌ی این رهنمودهای مکرر، و نیز در تناسب با ریشه‌ی لغوی «ختم» است که درک عامه‌ی مسلمانان در سراسر تاریخ اسلام از واژه‌ی «خاتم النبیین» در آیه‌ی شریفه‌ی ۴۰ سوره‌ی احزاب، این بوده و هست که آن حضرت آخرین پیامبری است که خداوند به سوی بشر فرستاده است. [۲۴]. جالب است که معنای فوق از واژه‌ی «خاتم النبیین» (در آیه‌ی ۴۰ احزاب) و اصل «خاتمیت» پیامبر اسلام را، علاوه بر اینکه باور عمومی مسلمانان بر آن استوار شده، کرارا مورد اعتراف و استعمال مؤسس فرقه‌ی بهائیت (میرزا حسینعلی بهاء) نیز قرار گرفته است و با توجه به این امر، منطقا راه بر هر گونه سفسطه و توجیه ناروای بهائیان از آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی احزاب و موضوع خاتمیت، مسدود می‌باشد. حسینعلی بهاء در عبارات زیر که در کتاب‌ها و الواح گوناگون وی آمده، علاوه بر اطلاق عناوینی چون «خاتم رسل»، [۲۵] «خاتم انبیا» [۲۶] و «خاتم النبیین» [۲۷] بر شخص پیامبر اسلام، «خاتمیت» آن حضرت را نیز صریحا و دقیقا به معنی «انتها» و «پایان یافتن» سلسله‌ی نبوت و رسالت توسط آن حضرت گرفته است: ۱ - الصلوه و السلام علی سید العالم و مربی الامم الذی به انتهت الرساله و النبوه و علی آله و اصحابه دائما ابداء سرمدا. [۲۸] یعنی، سلام و درود دائمی، ابدی و همیشگی بر سرور جهان و مربی امت‌ها، کسی که به او نبوت و رسالت پایان پذیرفت، و بر خاندان و یاران وی باد. ۲ - کما انتم تقرئون فی الکتاب بأن الله لما ختم النبوه بحیبیه بشر العباد بلقائه و کان ذلک حتم محتوم؛ [۲۹] همان طور که شما در قرآن می‌خوانید، خدای بزرگ زمانی که نبوت را به وسیله حبیبش پایان بخشید، بندگان را به لقای خود بشارت داد، و این امری حتمی و قطعی است. ۳ - اعلم بأن هذه الجنة فی يوم الله اعظم من کل الجنان و الطف من حقایق الرضوان لان الله تبارک و تعالی بعد الذی ختم مقام النبوه فی شأن حیبیه و صفیه و خیرته من خلقه کما نزل فی ملکوت العزه و لکنه رسول الله خاتم النبیین...: [۳۰] بدان که این بهشت در روز (متعلق به) خداوند از هر بهشتی بزرگ‌تر و از حقایق رضوان لطیف‌تر است، چون خداوند تبارک و تعالی پس از آنکه مقام نبوت را در شأن حبیب‌اش و برگزیده از خلقش ختم کرد، همچنان که در ملکوت عزت نازل کرد، و لکن او رسول خدا و خاتم پیامبران است... ۴ - لان الله تبارک و تعالی بعد الذی ختم مقام النبوه فی شأن حیبیه و صفیه و خیرته من خلقه کما نزل فی ملکوت العزه: و لکنه رسول الله و خاتم النبیین وعد أبصار بلقائه يوم القيمة...: [۳۱] زیرا که خدای تعالی بعد از آنکه مقام نبوت را در شأن حبیب و برگزیده و بهترین فرد از بندگانش پایان بخشیده، همان طور که در ملکوت عزت (قرآن) نازل شده است، و لکن محمد رسول خدا و خاتم نبیین است، دیدگان (عباد) را به لقایش وعده داده است.... علاوه بر اعترافات صریح و توجیه‌ناپذیر فوق، عبدالحمید اشراق خاوری، نویسنده و مبلغ مشهور بهائی، نیز جای جای (برای به اصطلاح اثبات اینکه مقام حسینعلی بهاء از مقام نبوت و رسالت بالاتر است!) به موضوع «خاتمیت پیامبر اسلام» به معنای «آخرین پیامبر بودن آن حضرت» اعتراف کرده است: «در قرآن، سوره‌ی الاحزاب، محمد رسول الله را خاتم النبیین فرموده، جمال مبارک [حسینعلی بهاء] جل جلاله در ضمن جمله‌ی مزبور می‌فرماید که:

مقام این ظهور عظیم و موعود کریم از مظاهر سابقه بالاتر است؛ زیرا نبوت به ظهور محمد رسول الله ختم گردیده و این دلیل است که ظهور الله است و دوره‌ی نبوت منتهی گردید؛ زیرا که رسول الله خاتم النبیین بوده. [۳۲]. این مبلغ بهائی همچنین نوشته است: «خداوند... در قرآن مجید حضرت رسول را خاتم النبیین نامیده و سلسله‌ی نبوت را به وجود مبارکش ختم کرده و در سوره‌ی الاحزاب نازل شده «ما کان محمد اباً أحد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین»، و از این مطلب در کمال وضوح، عظمت مقام مظهر مقدس الهی و موعود ملل و ادیان [بخوانید: بهاء] ظاهر می‌شود. به این معنی که مقام آن حضرت [بهاء] رسالت و نبوت نبوده و نیست، بلکه ظهور الله و مظهر مقدس نفس غیب الغیوب است که در قرآن مژده‌ی ظهورش به همین اسم نازل شده: هل ينظرون الا ان يأتيهم الله في ظلل من الغمام.» [۳۳]. جالب است که با وجود تمام این تصریحات و تأکیدات که مقام حسینعلی بهاء «رسالت و نبوت نبوده و این منصب با ظهور پیامبر اسلام پایان یافته است»، عباس افندی با کلمات صریح حسینعلی (ذکر شده در بالا) در افتاده و باب و بهاء را پیامبرانی در ردیف سایر انبیا شمرده است! عبارت عباس افندی چنین است: «آن مظاهر نبوت کلیه که بالاستقلال اشراق نموده‌اند مانند حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت اعلی [باب] و حضرت جمال مبارک [بهاء]!...» [۳۴]. نکته‌ی در خور توجه دیگر آن است که حسینعلی بهاء، چنان که فوقاً دیدیم، پیامبر اسلام را خاتم «رسل» [۳۵] و «انبیا» [۳۶] خوانده و هر دو امر «رسالت و نبوت» را به وی منتهی (و پایان یافته) شمرده است. [۳۷] بنابراین، با توجه به نصوص یاد شده از حسینعلی بهاء، جایی برای توجیحات بی‌پایه و مغلطه آمیزی چون این مطلب که در آیه‌ی ۴۰ سوره احزاب، «نبوت» پیامبران به وجود پیامبر اسلام ختم شده نه «رسالت» آنان، و آن حضرت «خاتم النبیین» است نه «خاتم رسولان»! [۳۸] باقی نمی‌ماند. با توجه به آنچه گذشت، بهائیان باید به این سؤال اساسی پاسخ گویند که اولاً تناقض آشکار میان کلام بهاء و جانشین وی عباس افندی را چگونه باید حل کرد و ثانیاً حسینعلی بهاء (و پیش از او: علی محمد باب) چگونه و با چه مجوزی، پس از گذشت دوازده قرن و اندی از بعثت پیامبر خاتم اسلام و تأسیس دین جاوید او، احکام و مقررات این دین نهایی و ابدی را منسوخ شمرده‌اند و به اصطلاح، کتاب آسمانی جدید و شریعت تازه‌ای را (به نام «بیان» و «اقدس» / «باییت» و «بهائیت») به جای قرآن و اسلام قرار داده‌اند؟! آن هم، بدین گونه که، هنوز چند سال از تأسیس شریعت جدید به دست علی محمد باب نگذشته و به اصطلاح مرکب قلم «بیان» خشک نشده بود که احکام و مقررات وی را بهاء رسماً نسخ کرد، و کتاب آسمانی! جدیدی با عنوان «اقدس» جای آن را گرفت!

پاورقی

[۱] الاصول من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، چاپ آخوندی، تهران، ۷۱۷ / ۲، روایت امام صادق علیه السلام که با اشاره به بعثت نوبنوی پیامبران اولوالعزم همراه با کتاب آسمانی جدید، می‌فرماید: «... حتی جاء محمد صلی الله علیه و آله فجاء بالقرآن و بشریعته و منهاجه فحلاله حلال الی یوم القیامه‌ی و حرامه حرام الی یوم القیامه‌ی...».

[۲] منقول در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر (کلیات مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی، ترجمه موسوی کلانتری دامغانی، تصحیح حسین استاد ولی، انتشارات حر، قم، ۱۳۷۶، ص ۶۰۲) و نیز دعای ندبه (همان: ص ۸۸۲). حدیث منزلت با تعبیری چون: «الا ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانی بعدی» به کرات در کتب معتبره شیعه و سنی آمده است. ر. ک، صحیح بخاری، ۵۸ / ۳؛ صحیح مسلم، ۳۲۳ / ۲، مسند احمد بن حنبل، ۱۷۴ / ۱؛ سنن ترمذی، ۳۰۱ / ۲؛ سنن ابوداود، ۲۹ / ۱؛ سیره ابن هشام، ۱۶۲ / ۴؛ امالی شیخ صدوق، ص ۲۸ و ۴۷ و ۸۱؛ بحارالانوار مجلسی، ۲۵۴ - ۲۸۹ / ۳۷ برای مآخذ و مصادر حدیث «منزلت» از کتب اهل سنت، و بحث درباره‌ی آن ر. ک، الغدیر، علامه امینی، ۱۹۹ - ۲۰۱ / ۳. بحرانی در غایه المرام نیز حدیث مزبور را با صد روایت از طریق اهل سنت و ۷۰ روایت از طریق شیعه نقل کرده است.

[۳] ر.ک، معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، چاپ ۲: شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي، مصر، ۱۳۹۰ ق، ۲ / ۲۴۵؛ القاموس المحيط، مجدالدین محمد فیروزآبادی، دارالجليل، ۱۰۳ - ۱۰۴ / ۴؛ مختار الصحاح، جوهری، ص ۱۳۰؛ لسان العرب، ابن منظور، تعلیقات علی شیری، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۸ ق، ۲۵ / ۴؛ مختار الصحاح، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی، دارالکتاب العربی، بیروت ۱۹۶۷ و....

[۴] ابو جعفر احمد بن علی مقرئ بیهقی (لغت شناس، نحوی و مفسر برجسته قرن ششم) در «تاج المصادر» (تصحیح و تحشیه دکتر هادی عالم‌زاده، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۶، ۱ / ۱۴۸) می‌نویسد: الختم: مهر کردن و قرآن تمام کردن و ختم الله له بالخیر».

[۵] ختم علی قلوبکم (انعام / ۴۶)؛ ختم علی سمعه و قلبه (جاثیه / ۲۳)؛ الیوم نختم علی افواههم (یس / ۶۵)؛ یختم علی قلبک (شوری / ۲۴).

[۶] ریح مختوم (مطففین / ۲۵)؛ ختامه مسک (مطففین / ۲۶).

[۷] مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد سوم از بخش اصول عقاید، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰، فصل «ختم نبوت»، ص ۱۵۵.

[۸] رک: التبیان فی اعراب القرآن، ۱۰۰ / ۲؛ خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل، جعفر سبحانی، ترجمه رضا استادی، صص ۱۹ - ۲۰.

[۹] انعام / ۱۹. برای نصوص دیگر قرآنی مربوط به اصل خاتمیت رک: مفاهیم القرآن، ۱۳۰ - ۱۳۹ / ۳.]

[۱۰] مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۲۴۷ / ۳.

[۱۱] نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ ۳، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۶.

[۱۲] همان، ص ۵۴. مشابه عبارت فوق (الخاتم لما سبق)، در زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نجف (منقول توسط شیخ مفید و شهید و سید بن طاووس و دیگران) نیز وارد شده است: «السلام علی رسول الله... الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل و المهیمن علی ذلک کله (کلیات مفاتیح‌الجنان، ص ۵۶۱) و نیز در جای دیگر از همان زیارت: السلام من الله علی محمد رسول الله... الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل و المهیمن علی ذلک کله» (همان، ص ۵۶۳).

[۱۳] همان، ص ۷۰.

[۱۴] همان، ص ۱۳۱.

[۱۵] الاصول من الکافی، چاپ آخوندی، تهران، ۱۷۷ / ۱.

[۱۶] همان، ۲۶۹ / ۱.

[۱۷] برای احادیث مربوط به خاتمیت، رک: مفاهیم القرآن، ۱۴۱ - ۱۶۷ / ۳.

[۱۸] ر. ک، دعای ابو حمزه ثمالی (کلیات مفاتیح‌الجنان، همان، ص ۳۱۷)، دعای روز اول ماه رمضان، با سند صحیح منقول از امام کاظم علیه‌السلام (همان، ص ۳۶۵)، و دعاوی امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه (همان، صص ۴۳۵ - ۴۳۶)، زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مسجد نبوی در مدینه (همان، ص ۵۱۷) و زیارت آن حضرت از راه دو در روز ۱۷ ربیع‌الاول (همان، ص ۵۲۴)، زیارت ابراهیم فرزند پیامبر اکرم (ص) در مدینه (همان، ص ۵۴۲)، زیارت فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین در مدینه (همان، ص ۵۴۳) و نیز زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه‌السلام (همان، ص ۵۹۱) و زیارت آن حضرت در روز غدیر (همان، ص ۵۹۶ و ۶۱۴)، زیارت مطلقه امام حسین علیه‌السلام (همان، ص ۷۰۳).

[۱۹] زیارت پیامبر اکرم (ص) از راه دور در ۱۷ ربیع‌الاول (همان، ص ۵۲۵).

[۲۰] زیارت ابراهیم فرزند پیامبر اکرم (ص) در مدینه (همان، ص ۵۴۱).

[۲۱] در پایان دعای وارده در شب نیمه شعبان که به منزله زیارت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، منقول توسط شیخ طوسی و سید بن طاووس، آمده است: «و الحمد لله رب العالمین و صلواته علی سیدنا محمد خاتم النبیین و المرسلین...» رک: حاج شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه‌ی موسوی کلانتری دامغانی، تصحیح حسین استاد ولی، قم، حر، ۱۳۷۶، ص ۲۷۴.

[۲۲] زیارت پیامبر اکرم (ص) از راه دور در ۱۷ ربیع الاول (همان، ص ۵۲۷): اللهم اجعل جوامع صلواتک و نوامی برکاتک... علی محمد عبدک و رسولک... اول النبیین میثاقا و آخرهم مبعثا».

[۲۳] طالبین تحقیق بیشتر در این زمینه می‌توانند به آثار گرانسنگی همچون «خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل»، تألیف آیت الله جعفر سبحانی، و «ختم نبوت» نوشته‌ی استاد مرتضی مطهری (مندرج در: جلد سوم از مجموعه‌ی آثار استاد شهید مطهری) مراجعه نمایند.

[۲۴] سلم خاتم الانبیاء لانه آخرهم» (معجم مقائیس اللغه‌ی، همان، ص ۲۴۵).

[۲۵] بعد از توجه، ناله منبری که در مدن و دیار آن اقلیم است اصغاء شد و به این کلمات ذاکر - الهی، الهی، خاتم رسل و سید کل، رسول الله روح ماسویه فدا، ما را از برای ذکر و ثنای تو ترتیب داده... و حال معشر جهلا بر ما به سب و لعن حضرت مقصود مشغولند. الهی، الهی، ما را نجات بخش».

[۲۶] اشراقات، ص ۲۵۲: «در خاتم انبیا تفکر نما، بر آن حضرت وارد شد آنچه که افئده مقربین... را گداخت».

[۲۷] سوره‌ی الملوک، چاپ تهران، ص ۱۱؛ آثار قلم اعلی، مؤسسه مطبوعات امری، تهران ۱۳۱ بدیع، ۲۱ / ۵: در وصف قرآن می‌گوید: «کتاب قدس حفیظ الذی نزل علی محمد رسول الله و خاتم النبیین و جعله حجه باقیه من عنده و هدی و ذکری للعالمین».

[۲۸] اشراقات، همان، ص ۲۹۳. نیز برای عبارتی به همین مضمون رک: کتاب بدیع، ص ۲۹۳.

[۲۹] مائده آسمانی، به اهتمام عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۲۶۰ / ۴.

[۳۰] جواهرالاسرار، میرزا حسینعلی بهاء، ص ۴۸.

[۳۱] آثار قلم اعلی، ۴۹ / ۳.

[۳۲] ریح مختوم، ۷۸ / ۱.

[۳۳] قاموس توفیق منیع، ۱۴۴ / ۱. در قاموس ایقان) / ۳۰۳ - ۳۰۴)... نیز تصریح می‌کند که جمال مبارک، در آیات مقدسه به صراحت ذکر کرده‌اند که نبوت و رسالت به حضرت محمد (ص) انتها یافت.

[۳۴] مفاوضات، عبدالبهاء، ص ۱۲۴. در مورد آشنایی با استدلالهای بهائیان برای اثبات عدم خاتمیت حضرت رسول ر. ک، فرائد، نوشته میرزا ابوالفضل گلپایگانی، چاپ نفقه حاج عبدالکریم تهرانی، طبع به مطبعه هندیه بشارع المهدی، بالازبکیه، و نقد و رد کتاب مذکور تحت عنوان «بهائی چه می‌گوید»، تألیف جواد تهرانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۴۶.

[۳۵] اشراقات (الواح مبارکه حضرت بهاء الله جل ذکروه الاعلی، شامل اشراقات و چند لوح دیگر)، ص ۲۴۶.

[۳۶] اشراقات، ص ۲۵۲.

[۳۷] اشراقات، همان، ص ۲۹۳. نیز برای عبارتی به همین مضمون رک: کتاب بدیع، ص ۲۹۳.

[۳۸] به عنوان نمونه‌ای از این گونه مغالطات در منابع بهائی رک: اسرار الآثار، فاضل مازندرانی، ۱۶۳ / ۳ به بعد؛ خاتمیت، روحی روشنی، فصل اول و نیز ص ۳۳ و...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

